

به نام خدا

ایران در دوران مادها و هخامنشیان

تفسیر حاکمیت سلسله مادها و امپراطوری هخامنشیان

مؤلف :

امیرحسین عباسی منفرد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



chaponashr.ir



iran-peer-review.com



سرشناسه : عباسی منفرد، امیرحسین ، ۱۳۸۳
عنوان و نام پدیدآور : ایران در دوران مادها و هخامنشیان (تفسیر حاکمیت سلسله مادها و امپراطوری هخامنشیان) /
مؤلف امیرحسین عباسی منفرد
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۷۳ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۳۴-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : ایران - دوران مادها - هخامنشیان
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۸۳۷۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : ایران در دوران مادها و هخامنشیان (تفسیر حاکمیت سلسله مادها و امپراطوری هخامنشیان)

مؤلف : امیرحسین عباسی منفرد

ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : محدثه فرمند

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴

چاپ : زبرجد

قیمت : ۲۶۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۳۴-۲

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست

پادشاهی ماد	۵
جغرافیای مادها	۹
هگمتانه	۱۱
پادشاهان سلسله مادها	۱۲
آخرین پادشاه مادها	۱۶
دربار مادها	۲۰
پوشش مادها	۲۳
سپاهیان ماد	۲۶
آغاز امپراطوری هخامنشی	۲۸
وارث پادشاهی هخامنشیان	۳۵
حمله داریوش به سرزمین هند	۳۷
معماری هخامنشی	۴۹
تخت جمشید	۵۱
تحلیلی بر تاریخچه سکه های حکومت هخامنشیان	۷۰
شناخت تمدن سلسله هخامنشیان	۷۴
مروری بر اسناد های مهم آن دوره	۸۰
شرح زندگی کوروش بزرگ	۸۱
به حکومت رسیدن کمبوجیه دوم	۹۲

۱۰۲.....	داریوش بزرگ
۱۰۹.....	فتوحات داریوش بزرگ
۱۲۶.....	فرمانروایی اردشیر یکم
۱۵۵.....	سلطنت خشایارشای دوم
۱۵۷.....	به تخت رسیدن سغدیانه
۱۵۸.....	داریوش دوم نهمین پادشاه بزرگ هخامنشیان
۱۶۰.....	اردشیر دوم

هدف اصلی تفاسیری که در کتاب نوشته شده است، آشنایی با تمام حکومت های ایرانی تباری که حاکمیت را در آن دوره در اختیار داشته اند است، اولین حکومت پادشاهی مادها بوده اند.

پادشاهی ماد

حکومتی ایرانی بود که، در سده های میانی هزاره یکم، از حدود ۶۷۸ پ.م. تا حدود ۵۴۹ پ.م. ابتدا صرفاً در ناحیه سکونت مادها در شمال غربی ایران و سپس بر بیشتر فلات ایران، حکمرانی می کرد. هرچند که دوران پادشاهی شاهان ماو و مدت پادشاهی آنها و نیز ترتیب شان مورد مناقشه است، اما به گفته هرودوت، سلسله مادها شامل چهار شاه بوده است که به یک خانواده تعلق داشتند و به مدت ۱۵۰ سال فرمانروایی کردند و نام آنها عبارت بود از دیاکو، فرورتیش، هووخشتره و ایشتوویگو. از میان این شاهان، تنها به هووخشتره و ایشتوویگو در متون میخی اشاره شده است. با این وجود، پژوهشگران برای یافتن نام دیاکو و پسرش فرورتیش در دیگر منابع مرتبط تلاش کرده اند. از این روی، رئیس قبیله ماننا، دیائوکو نام داشت که چندین بار در متون آشوری نوو نیز سال نامه ها از دوره سارگون دوم نامش ذکر شده است و با دیاکو که هرودوت ذکر کرده است، یکی دانسته می شود. از او در منابع آشوری به عنوان والی ماننا یاد شده است که با شاه اورارتو علیه فرمان روای ماننا متحد شده بود، اما توسط سارگون اسیر شد و در سال ۷۱۵ پ.م. همراه با خانواده اش به سرزمین سوریه تبعید گردید. او ظاهراً در همان جا درگذشت.

به مادها در سال نامه های آشوری نو از سال ۸۳۶ پ.م. به بعد تا اواخر سوغند فتودالی اسرحدون ۶۷۲ پ.م اشاره شده است، آنها توسط شاهک نشین های کوچک اداره

می‌شدند: پادشاهی مرکزی تأسیس نشده بود و اساس چیزهایی که بعداً به دیاکو، قاضی افسانه‌ای نسبت داده شد، هنوز وجود نداشت. هنگامی که امپراطوری آشور در سال ۶۱۲ پ.م. سقوط کرد، مادها نقش مهمی ایفا کردند. پایان حکومت مادها نیز با وجود افسانه‌هایی که در پیرامون کوروش وجود دارد، همچنان در تاریکی است.

حدود سه-چهار سده پس از شروع زوال شهرهای عصر برنز در فلات ایران، مردمان ایرانی زبان به تدریج وارد این سرزمین شدند. قوم ماد بخشی از مردمانی بود که در مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران، شرکت داشتند. این قوم، در روزگار خود به آریاییان مشهور بودند و یکی از قبایل آنان، آری زانتو نام داشت؛ نامی که به معنای دودمان آریاییان است. این شهرت در آن روزگار تنها به قوم ماد محدود نمی‌شد و پارس‌ها نیز آریا شناخته می‌شدند. مطابق منابع کهن آشوری، یونانی و ایرانی در مجموع معلوم می‌گردد که شش طایفه تشکیل‌دهنده اتحاد مادها عبارت بودند از بوسی‌ها، ستروخاتی‌ها، بودی‌ها آریزنتایی‌ها و مغها و سرانجام پارتاکانی‌ها، مطابق منابع یونانی، در سرزمین کمنداندازان ساگارتی زاگروتی، ساگرتی مادی‌های ساگارتی می‌زیسته‌اند که شکل بابلی-یونانی شده نام خود یعنی زاگرس زاگروتی، ساگرتی را به کوهستان غرب فلات ایران داده‌اند.

نام همین طوایف است که در اتحاد طوایف پارس نیز موجود است و خط پیوند خونی طوایف ماد و پارس از جمله از منشأ همین طایفه ساگارتی‌ها زاگروتی، ساگرتی است.

آنچه از متون آشوری برمی‌آید، آن است که مادها از سده نهم تا هفتم پ.م. نتوانسته بودند چنان پیشرفتی بیابند که سبب هم‌گرایی و اتحاد و سازمان‌یافتگی قبایل و طوایف پراکنده ماد بر محور یک رهبر و فرمان‌روای برتر و واحد که بتوان وی را پادشاه کل سرزمین‌های ماندنشین نامید شده باشند. پادشاهان آشور در ضمن لشکرکشی‌های پرشمار خود به قلمرو سکونت مادها، همواره با شمار فراوانی از «شاهان محلی» روبه‌رو بوده‌اند و نه یک پادشاه

واحد حاکم بر کل سرزمین‌های مادنشین. بعدها، در سده‌های نهم و هشتم پ.م. قدرت مادها تا حدی زیادی افزایش یافت و نقش آن‌ها برجسته شد و سرانجام در سده هفتم پ.م. سرتاسر غرب ایران و برخی از مناطق نزدیک آن به مادها تعلق یافت؛ بنابراین، مرزهای ماد در طول چند صدسال، به تدریج و رفته‌رفته تغییر کرد؛ با این حال، گستره جغرافیایی دقیق ماد ناشناخته باقی مانده است. با آغاز سده نهم پ.م. آشوری‌ها به‌طور منظم به مناطق شمال غرب ایران که در آن‌زمان ده‌ها شاهک‌نشین خُرد در آن‌جا وجود داشت یورش می‌بردند و به غارت می‌پرداختند. آشوری‌ها می‌توانستند از طریق دو مسیر به ماد دست یابند: از سوی شمال، از سوی گیزیل بوندا و ظاهراً در امتداد جاده امروزی بیجار به همدان، از سوی شمال غرب از طریق مسو در کنار مرز غربی گیزیل بوندا یا از طریق کیشسیم در امتداد جاده سنندج به همدان. آشوری‌ها همیشه در امتداد راه کوهستانی جاده بزرگ خراسان، از طریق خارخار، آرازیش و بیت باروکه بخش شمالی الپی را تشکیل می‌داد و سرانجام از طریق بیت همبان، از ماد به آشور بازمی‌گشتند. همه این سرزمین‌ها در کوه‌های زاگرس، میان اسدآباد از سوی شرق، خارج از جلگه همدان و دره ماهی دشت از طرف غرب واقع شده بودند که دره ماهی دشت جزو بیت همبان محسوب می‌شود.

نخستین اشاره به نام مادها در سالنامه بیست و چهارم شملنسر سوم، یعنی سال ۸۳۶ پ.م. بازمی‌گردد، هنگامی که به نمری حمله کرد. کتیبه‌های آشوری آکنده از گزارش‌هایی درباره تاخت‌وتازهای سپاه آشور در سرزمین‌های مادنشین و گشوده شدن شاهک‌های مادی هستند. در متن‌های آشوری، برای نمونه در کتیبه‌های پیسلرسوم، بدون اشاره به نام قبیله‌های مادی، از مادها همچون گروهی شناخته‌شده و نیرومند و با عنوان‌هایی چون «مادهای دوردست»، «مادهایی که در نزدیکی بیابان نمک هستند»، «مادهای نیرومند»، «مادهایی که در نزدیکی کوه بیکنی هستند» و «مادهای شرق» یاد شده است.

از میان این شاهان، تنها به هووخشتره و ایشتوویگو در متون میخی اشاره شده است. با این وجود، پژوهشگران برای یافتن نام دیاکو و پسرش فرورتیش در دیگر منابع مرتبط تلاش کرده‌اند. از این روی، رئیس قبیله ماننا، دِیائوکو نام داشت که چندین بار در متون آشوری نو (و نیز سال‌نامه‌ها) از دوره سارگون دوم نامش ذکر شده است و با دیاکو که هرودوت ذکر کرده است، یکی دانسته می‌شود. از او در منابع آشوری به عنوان والی ماننا یاد شده است که با شاه اورارتو علیه فرمانروای ماننا متحد شده بود، اما توسط سارگون اسیر شد و در سال ۷۱۵ پ.م. همراه با خانواده‌اش به سرزمین سوریه تبعید گردید. او ظاهراً در همان‌جا درگذشت.

منابع یونانی، به‌ویژه تاریخ هرودوت درباره پادشاهی ماد گزارش‌هایی داده‌اند، اما این گزارش‌ها غالباً اندک و آمیخته به افسانه‌اند. اطلاعاتی پراکنده از مورخینی چون هکاته وجود دارد که همین اطلاعات را مورخان بعدی نیز در آثارشان بازتاب داده‌اند. نخستین کسی که گزارشی جامع در مورد مادها ارائه کرد، هرودوت بود. در میان منابع کهن یونانی موجود که درباره مادها سخن گفته‌اند، مهم‌ترین آن‌ها هرودوت و کتزیاس هستند که نوشته‌های هرودوت تا حدودی قابل اعتماد است و پژوهش‌های نوین باستان‌شناسی هم در پاره‌ای از موارد، گفته‌های او را تأیید می‌کنند اما نوشته‌های کتزیاس جنبه داستان‌سرایی و تفریح‌انگیز دارند و تقریباً در تمامی مواردی که هرودوت و کتزیاس درباره واقعه یکسانی صحبت کرده‌اند، گفته‌های آنان بسیار با هم اختلاف دارند و در مواردی که بتوان این اختلاف‌ها را از روی منابع دیگر بررسی کرد، گفته‌های کتزیاس نادرست است. متون عهد عتیق کتاب مقدس نیز تا حدودی برای بازسازی تاریخ ماد مورد استفاده قرار می‌گیرند. این متون در دوره‌های تاریخی گوناگونی نوشته شده‌اند و به‌جز برخی از قسمت‌های کتاب‌های عزرا و دانیال که به زبان آرامی نوشته شده‌اند، همه این متون به زبان عبری نگاشته شده‌اند. کتاب‌های پیامبران ناحوم و حزقیل که تقریباً هم‌زمان

بوده‌اند و در سده هفتم پ.م. می‌زیستند، سقوط فوری دولت آشور را شرح می‌دهند. ناحوم سقوط مصیبت‌بار نینوا را که در سال ۶۱۲ پ.م. توسط مادها و بابلی‌ها تسخیر شد را گزارش کرده و حقوق درباره تسخیر آشور در سال ۶۱۴ پ.م. توسط مادها سخن می‌گوید. احتمالاً پیشگویی‌های هر دو کتاب به زمانی که دولت آشور هنوز پابرجا بوده تعلق دارند ولی در دوره‌ای بوده‌اند که سرانجام مصیبت‌بار دولت آشور، آشکار به نظر می‌رسید.

جغرافیای مادها

در پایان هزاره دوم پ.م. قبیله‌های مادی، استقرار در قلمروی غرب ایران که بعدها ماد نامیده شد را آغاز کردند؛ جایی که در آن زمان نشیمن‌گاه شاهک‌نشین‌های فراوان و گروه‌های قومی و زبانی گوناگونی مانند گوتی‌ها، لولوبی‌ها، کاسی‌ها و هوری‌ها بود. بعدها، در سده‌های نهم و هشتم پ.م. قدرت مادها تا حدی زیادی افزایش یافت و نقش آن‌ها برجسته شد و سرانجام در سده هفتم پ.م. سرتاسر غرب ایران و برخی از مناطق نزدیک آن به مادها تعلق یافت؛ بنابراین، مرزهای ماد در طول چند صد سال، به تدریج و رفته‌رفته تغییر کرد؛ با این حال، گستره جغرافیایی دقیق ماد برای ما ناشناخته باقی مانده‌است. در دوره نخستین، مرزهای غربی شاهک‌نشین‌های ماد که از یکدیگر مستقل بودند، از مرزهای غربی دشت همدان فراتر نمی‌رفتند. اطلاعات ما درباره حدود شمالی و شرقی ماد بسیار اندک است. با این حال، سرزمین اصلی ماد، آن‌گونه که آشوری‌ها از اواخر سده نهم پ.م. تا آغاز سده هفتم پ.م. آن را می‌شناختند، از سوی شمال به گیزیل بوندا محدود می‌شد که گیزیل بوندا در کوه‌های قافلان کوه در شمال دشت همدان قرار داشت؛ از سوی غرب و شمال غرب نیز محدوده آن از دشت همدان فراتر نمی‌رفت و به کوه‌های زاگرس محدود می‌شد، به جز در جنوب غربی که مادها تا دره‌های زاگرس را در

اختیار داشتند که این مرز در دامنه کوه‌های گرین واقع شده بود و ماد را از الیپی، پادشاهی‌ای در نواحی پیشه‌کوه به سمت جنوب کرمانشاه، جدا می‌کرد. از سوی جنوب نیز مرز ماد به منطقه ایلامی سیماشکی محدود می‌شد که امروزه با دره خرم آباد تطبیق داده می‌شود.

به نظر می‌رسد که قلمروی ماد از سوی شرق و جنوب شرقی به دشت کویر و سرزمین پتوشرا محدود بود؛ سرزمین پتوشرا چنان‌که توسط شاهان آشوری توصیف شده‌است، در حاشیه کویر نمک (احتمالاً دشت کویر) واقع شده بود. رشته کوه نزدیک پتوشرا را آشوریان «بیکنی» می‌نامیدند و از آن با عنوان «رشته کوه لاجورد» یاد می‌کردند. پژوهشگران معمولاً آن را با کوه دماوند که در شمال شرق تهران قرار دارد، برابر می‌دانند. پتوشرا ظاهراً همان منطقه‌ای است که در فارسی میانه به صورت پَدشخوار ذکر شده‌است، جایی که در سده‌های میانی استخراج لاجورد از آن گواهی شده‌است. لاجورد که به عنوان خراج به آشوری‌ها پرداخت می‌شد، «به واسطه تجارت با مادی‌های مناطق شرقی به دست می‌آمد.» پتوشرا و کوه بیکنی، احتمالاً دور دست‌ترین قلمرو حکومت مادها بود که آشوری هادر طول بزرگ‌ترین توسعه خویش در نیمه دوم سده هشتم پ.م. و دهه نخست سده هفتم پ.م. به آن نفوذ کرده بودند. با این حال، لوییس لوین استدلال می‌کند که کوه بیکنی به احتمال زیاد می‌بایست با رشته کوه الوند تطبیق داده شود که در غرب همدان قرار دارد؛ این تطبیق توسط کلیفورد براون و تعدادی دیگر از پژوهشگران مورد قبول واقع شده‌است. اگر تطبیق بیکنی با رشته کوه الوند درست باشد، به این معناست که آشوری‌ها هرگز از این کوه‌ها عبور نکردند و همه سرزمین‌های مادی که تسخیر کردند یا برایشان شناخته شده بود، در غرب همدان قرار داشت.

هگمتانه

هگمتانه، پایتخت پادشاهی ماد، پایتخت تابستانی هخامنشیان و ساتراپ نشین ایالت ماد از دوران هخامنشیان تا ساسانیان بود. بنیان‌گذاری ماد را سال ۷۰۸ پ.م. به مرکزیت هگمتانه و توسط دیاکو ذکر می‌کند. نام این شهر در سنگ نوشته داریوش در بیستون در زبان فارسی باستان «هَمگَمَتان»، [در ایلامی «اگ-م-د-ن» و در زبان اکدی «ا-گ-م-ت-ن»] ثبت شده است. معمولاً چنین تفسیر می‌شود که این واژه از «هنگمَت» به معنای «محل گردآمدن» مشتق شده است و نتیجه گرفته می‌شود که پیش از شکل‌گیری دولت ماد، نوعی گردهمایی مردمی در اینجا انجام می‌شد. هرودوت به یک گردهمایی مادها که در آن دیاکو به شاهی برگزیده شد، اشاره می‌کند ولی محل آن را مشخص نمی‌کند. واژه ایلامی «هَل. مَت. ن» به معنای «سرزمین مادها» احتمالاً نباید درست باشد چرا که شهر پایتخت مادها نمی‌توانست نامی ایلامی داشته باشد یا «سرزمین» نامیده شود. جرج کرزن، پیشنهاد کرده است که با توجه به اینکه در آن‌جا هفت شهر، هگمتانه نامیده می‌شوند و چهارتای آن‌ها در پارس قرار دارند، این نام در واقع برای پایتخت یا شهر شاهی تعیین شده بود. در منابع باستانی و دیگر منابع، برای هگمتانه نام‌های مختلفی ذکر شده است: در زبان یونانی «اِکباتانا، اِگباتانا»، در زبان لاتین «اکباتانا، اکباتانا، اکباتانیس پارتیوروم» در زبان آرامی «اَحْمِت»، در زبان ارمنی «اَحْمَتَن، هَمَتَن، اِکَبَتَن» و در زبان فارسی «هَمَدان».

با توجه به موقعیت و منابع استراتژیک هگمتانه، این محوطه احتمالاً پیش از هزاره یکم پ.م. اشغال شده بود، هرچند که شواهد تاریخی و باستان‌شناختی در این مورد وجود ندارد. بنا به گفته هرودوت، هگمتانه در اواخر سده هشتم پ.م. به عنوان پایتخت مادها توسط دیاکو برگزیده شد. هرودوت مجتمع شاهانه شامل قصر، خزانه‌داری و اقامت‌گاه

نظامی که بر روی تپه‌ای ساخته شده بودند را توصیف می‌کند و می‌گوید که این مجتمع توسط هفت دیوار متحدالمرکز که هر دیوار داخلی از دیوار بیرونی بلندتر بود و بر آن اِشراف داشت، ساخته شد. علی‌رغم دو سده درگیری در مناطق مادی مرکز زاگرس، آشوری‌ها هیچ‌گونه گزارش روشنی از هگمتانه ارائه نداده‌اند و ممکن است که آن‌ها هرگز در شرق الوند پیش‌روی نکرده باشند. سنت‌های قدیمی دیگری، منشأ شهر هگمتانه را به سمیرامیس افسانه‌ای یا به جمشید نسبت می‌دهند.

پادشاهان سلسله مادها

دیاکو بنیان‌گذار حکومت مادها بود، دیاکو مدت ۵۳ سال حکومت کرده است و بر این اساس درباره دوران حکومت وی گمانه‌زنی‌هایی شده‌است اما به نظر می‌رسد که گزارش هرودوت بر مبنای روایتی شفاهی باشد. پژوهشگران از روی گزارش هرودوت به این نتیجه رسیده‌اند که دیاکو مؤسس خاندان سلطنتی ماد و همچنین نخستین پادشاه ماد بوده که از آشوری‌ها استقلال کسب کرده‌است. اما باید بر این نکته تأکید شود که گزارش هرودوت آمیزه‌ای از افسانه‌های یونانی و شرقی است و از نظر تاریخی قابل اطمینان نیست. همچنین فرض بر این است که پادشاه مادی که گزارش‌های هرودوت حول و حوش او می‌چرخد، همان دیاکو پدر فرورتیش باشد، در نتیجه ممکن نیست که تاریخ دقیق دوره حکمرانی او را مشخص کرد اما می‌توان گفت که احتمالاً اکثر نیمه اول سده هفتم پ.م. را در برمی‌گرفته‌است. ایگور دیاکونوف می‌گوید: «وضع دوران حکومت دیاکو در نوشته‌های هرودوت با تصویری که منابع آشوری از آن زمان (۶۷۵-۷۴۵ پ.م) رسم می‌کنند چنان مغایرت دارد که برخی از مورخان گواهی هرودوت را رد کرده‌اند.

دیاکو پدر فرورتیش بود که طرح و نقشه ایجاد یک حکومت واحد ماد را در ذهن داشت؛ مادها در دهکده‌های خودمختار جداگانه یا در شهرهای کوچک زندگی می‌کردند. دیاکو در یک دوره بی‌قانونی در ماد، تلاش کرد تا عدالت را در دهکده خود اجرا کند و اعتبار و حسن شهرتی را به عنوان یک قاضی بی‌طرف به‌دست آورد.

به این ترتیب فعالیت او گسترش یافت و مردم روستاهای دیگر نیز به وی مراجعه می‌کردند تا اینکه سرانجام او اعلام کرد درخواست‌های مردم زیاد است و این جایگاه برای وی در دسرساز و دشوار است و حاضر به ادامه کار نیست. در پی این کناره‌گیری، دزدی و اغتشاش فزونی یافت و مادها گرد هم آمدند و وی را برای حل و فصل اختلافات به‌عنوان پادشاه برگزیدند. منابع آشوری نیز برای نخستین بار، در سال ۶۷۳ پ.م. از پادشاهی مستقل ماد یاد می‌کنند.

پس از به پادشاهی رسیدن، اولین اقدام دیاکو گماشتن نگهبانانی برای خود و نیز ساخت پایتخت بود. شهری که دیاکو برای این منظور برگزید در زبان فارسی باستان هگمتانه و به زیان یونانی «اکباتان» خوانده می‌شد که همدان امروزی دانسته می‌شود. هگمتانه به معنی «محل اجتماع» یا «شهری برای همه» است و اشاره‌ای است به گرد هم آمدن طوایف مادی که سابقاً متفرق بودند. او در اواخر قرن هشتم پ.م. دستور داد تا یک دژ مستحکم بر روی تپه‌ای در این شهر ایجاد شود تا همه امورات نظامی، دولتی و خزانه‌داری در آن انجام گیرد. این مجتمع پادشاهی توسط هفت دیوار متحدالمرکز که هر دیوار داخلی از دیوار بیرونی بلندتر بود و بر آن اشراف داشت، ساخته شد. این هفت دیوار، هرکدام به رنگ خاصی تزیین شده بود، دیوار اول (بیرونی) سفید، دومین دیوار به رنگ سیاه، سومی به رنگ سرخ تند، چهارمین آبی، پنجمی سرخ باز، ششمین دیوار به رنگ مسی و هفتمین و درونی‌ترین دیوار نیز طلایی‌رنگ بود. این نوع رنگ‌آمیزی در بابل، نشانه هفت پیکر آسمانی

(خورشید، ماه، تیر، ناهید، پیکرو...) بودند ولی در هگمتانه، تقلیدی از بابل بود. قصر پادشاه به همراه گنجینه‌هایش هم در درون آخرین دیوار جای داشت.

سارگون دوم شاه آشور در سال ۷۱۵ پ.م. متوجه شد که دیاکو با روسای اول، اورارتو متحد شده‌است. او دیاکو را زیر نظر گرفت و در طی جنگ خود با منائیان، که از خویشاوندان نژاد مادی بودند و در آذربایجان و جنوب دریایچه ارومیه سکونت می‌کردند، بار دیگر وارد ماد شد تا چنان‌که مدعی بود، به «هرج و مرج» آن‌جا پایان دهد. وی در آن‌جا توانست دیاکو را اسیر کند ولی برخلاف عادت همیشگی آشوری‌ها جانش را به او بخشید و در نبشته‌ای تشریفاتی در کاخ خود در خُرس آباد اعلام می‌کند: «دیاکو را به همراه قبیله‌اش به حماه تبعید کردم.

فروتیش دومین پادشاه سلسله مادها بود، وی که به همراه دیاکو و خانواده‌اش به آشور تبعید شده بود، به احتمال قوی در خاک آشور تربیت شد. بعدها وی ارباب ده ایالت بیت کاری در ناحیه همدان کنونی، به مرکزیت کار-کشی شد. گمان می‌رود آشوری‌ها خود از روی عمد وی را به این مقام منصوب کرده‌باشند تا اولاً وی را از جایی که نفوذ و ریشه محلی داشته‌است دور کرده باشند، ثانیاً بر این باور بودند که فرورتیش که دست‌پرورده و دست‌نشانده خودشان است، مانند سایر پیشوایان، شاهکان و شاهان دست‌نشانده و در ادامه سیاست‌هایی را دنبال خواهد کرد که به نفع آشوری‌ها باشد. فرورتیش با آنکه سرنوشت اسارت پدرش دیاکو را دیده بود، همان راه پدرش را دنبال کرد و به آشور اعلان جنگ داد. برای این کار ابتدا پارس‌ها را تحت انقیاد خود درآورد و سپس با جلب یاری شاهک‌های پیشین‌ده دو ایالت مجاور خود قیامی را علیه آشور ترتیب داد.

قیام به سرعت گسترش یافت و آشوری‌ها قست اعظم سرزمین ماد را که در تصرف خود داشتند، از دست دادند. در پی مذاکرات آشوری‌ها با سکاها، که متحد مادها در این قیام بودند و خروج آن‌ها از اتحاد با مادها به نفع آشوری‌ها، جریان قیام ناتمام ماند.

از آن تاریخ به بعد فرورتیش توانست مهم‌ترین نواحی ماد را از زیر یوغ آشور نجات دهد و در سه ایالت بیت کاری، مادای و ساپارادادولت واحدی تأسیس و پادشاهی مستقل ماد را برپا کند.

در جریان یک کشمکش داخلی در آشور، فرورتیش فرصت را برای حمله دوباره به آشور مناسب دید و بدین ترتیب در سال ۶۵۳ پ.م. مجدداً به آشور یورش برد ولی کشته شد. بدین ترتیب ۲۲ سال حکومت وی بر مادها پایان یافت. برخی از مورخان معتقدند علی‌رغم شکست فرورتیش از آشوری‌ها، این جنگ زمینه‌ساز نبردی شد که پسرش هووخشتره آن را تا سقوط دولت آشور در پیش گرفت. پس از فرورتیش، هووخشتره جانشین او شد و مدت ۴۰ سال حکومت کرد.

هوخشتره سومین امپراتور ماد بود، مرگ فرورتیش پدر هووخشتره و شکست مادیه‌ها، منجر به استقرار فرمانروایی سکاها در ماد شد تا این‌که سرانجام هووخشتره توانست به ۲۸ سال فرمانروایی آن‌ها پایان دهد. وی مادیا پادشاه سکاها را به همراه سرکردگانش به مهمانی خواند، همه را مست کرد و به قتل رسانید و بدین ترتیب غایله سکاها را پایان داد. چون از جهت سکاها، آسودگی خاطر وی فراهم شد، تصمیم به نابودی امپراتوری آشور گرفت.

هوخشتره، شکست پدرش فرورتیش را در برابر آشوری‌ها دیده بود و از آن درس عبرتی آموخته بود. او فهمید که برای مقابله در برابر آشوری‌ها، می‌بایست نیروی نظامی مجهزی تشکیل دهد؛ زیرا سربازان طوایفی که به همراه سرکردگان خود در هنگام جنگ به اردو

می‌پیوستند، هرگز از عهده یک سپاه منظم بر نمی‌آیند. به همین خاطر ابتدا ارتش ماد را تجدید سازمان و نوسازی کرد و به جای تقسیمات سابق عشیره‌ای، آن‌ها بر حسب نوع سلاح تقسیم‌بندی کرد و این خود استعداد جنگی آن‌ها را بسیار بالا برد. وی در این راه باقی‌مانده سکاها را هم به خدمت گرفت.

هوخشتره سپس با دولت بابل متحد شد. و با نیروی نظامی خود به سوی آشور حرکت کرد. در سال ۶۱۴ پ.م. از کوه‌های زاگرس گذشت و ضمن تسخیر آبادی‌های آشوری سر راه، شهر آشور پایتخت باستانی دولت آشور را در محاصره گرفت. پس از سقوط شهر آشور، پادشاه بابل نبوپلر در شهر آشور به دیدار هووخشتره آمد و در آنجا پیمان دوستی ماد و بابل تجدید شد. در سال ۶۱۲ پ.م. هووخشتره و نبوپلر توانستند با حمله به نینوا پایتخت آشوری‌ها و فتح آن، به عمر امپراطوری آشور خاتمه دهند.

پس از فتوحات و پیروزی‌های فراوان، هووخشتره این بار متوجه غرب و لیدیه و شهرهای تجاری یونان شد. وی با الیاتس شاه لیدیه جنگید و توانست سرزمین‌های بالای رود هالیس را تصرف کند. جنگ بین مادها و لیدی‌ها سرانجام در سال ۵۸۵ پ.م. به دلیل خورشید گرفتگی ناگهانی پایان یافت. هووخشتره هم در همان سال یا سال بعد درگذشت. پس از هووخشتره پسرش ایشتوویگو به پادشاهی رسید و ۳۵ سال حکومت کرد.

آخرین پادشاه مادها

ایشتوویگو آخرین پادشاه ماد بود که از سال ۵۸۵ تا ۵۵۰ پ.م. حکومت کرد. شکل رایج این نام در زبان یونانی، وضوحاً تصحیف از ریشه پارسی آن است. این نام در زبان عیلامی، چند بار در لوحه‌های باروی تخت جمشید نوشته شده است که وابسته بودن آن‌ها به نام

آستیگ، مورد مناقشه است. ایشتوویگو در کتب تاریخی به آستیگ معروف است. او شوهر خواهر کرزوس بود. از ۳۵ سال حکومت ایشتوویگو اطلاعات زیادی در دست نیست. از اقدام‌های ایشتوویگو، لشکرکشی به قفقاز و جنگ با لیدیه بود که در نهایت موجب پیمان صلح او با پادشاه لیدیه و ازدواج او با آرنیس، خواهر کرزوس شد. منابع بابلی می‌گویند که ایشتوویگو به کوروش حمله کرد، ولی سپاهش بر او شورید و او را دستگیر کرده، به کوروش تحویل داد. بدین ترتیب حکومت ۱۲۸ ساله پادشاهی ماد پایان یافت و شاهنشاهی هخامنشی بنیان گذاشته شد. کوروش مادها را مغلوب کرد، اما به آن لباس پارسی پوشاند. به‌طوری‌که خیلی از مقامات مادی، در حکومت هخامنشی دارای جایگاه والایی بودند و ایالت ماد دومین ایالت هخامنشی پس از پارس بود. روایات مختلفی در مورد تبار کوروش و چگونگی جنگ او با ایشتوویگو توسط یونانی‌ها گفته شده که تماماً رنگ و بوی فولکلور می‌دهند. از نظر دانشمندان امروزی، هیچ رابطه خویشاوندی بین کوروش و ایشتوویگو وجود ندارد.

رویدار بزرگ، رویداد نبونید از رویدادهای آغازین به تخت نشستن نبونید در ۵۵۶ پ.م. شروع می‌شود و اندک زمانی پس از فتح بابل توسط هخامنشیان در ۵۳۹ پ.م. به پایان می‌رسد. حداقل بخشی از این رویدادنامه در دوران کوروش نگاشته شده‌است، چرا که لحنش نسبت به نبونید پرخاشگرانه می‌شود. این متن همچنین از جنگی میان ایشتوویگو، شاه ماد، و کوروش و تسخیر هگمتانه، پایتخت ماد توسط ارتش هخامنشی در ششمین سال تاج‌گذاری نبونید، یعنی ۵۵۰ پ.م. سخن به زبان می‌آورد (خط‌های ۱-۴). نویسنده سالنامه به جنگی در چند صد کیلومتری جنوب شرقی بابل اشاره می‌کند و می‌نویسد: «شاه اشتومه گو، لشکر خود را برای جنگ با کوروش، شاه انشان، فرستاد ولی لشکر بر او شورید، او را به زنجیر کشیده و تحویل کوروش دادند.

بررسی آثار مادها باید به سه سرزمین توجه کنیم: نزدیک جاده قدیم خراسان که در از آن برای تجارت بین شرق و غرب به خوبی استفاده می شد، بین کرمانشاه و همدان امروزی، پایتخت ماد باستان؛ احتمالاً بخش اعظمی از شمال فلات مرکزی ایران نیز از آغاز به مادها تعلق داشت یا در طول حکومت آن‌ها به سرزمین‌های مادی تبدیل شد. این امر می تواند آثاری که از کاوش‌های گودین تپه در دره کنگاوور نوشیجان در نزدیکی ملایرو شاید سیلک در نزدیکی کاشان و باباجان در شمال لرستان به دست آمده اند را شامل شود.

اگرچه تپه نوشیجان شهری مرکزی نبود، این شهر به پلی مهم میان زنجیره شواهد و اسناد در مورد ترکیب و توسعه معماری ماد و همچنین ترکیبی از فرهنگ مادی با فرهنگ دیگر تمدن‌های باستانی شرق تبدیل شد. در معماری تپه نوشیجان و گودین تپه می توان تأثیر و اقتباس مستقیم، هم در جزئیات و هم در شکل کلی معماری و طراحی بنا را از هنر آشوری و اورارتویی ردیابی کرد. برای نمونه، طرح دژها شبیه به نمونه آشوری هستند و شیوه‌های احداث بنا مانند تونل‌های صخره‌ای، استفاده از پنجره‌های کور و مخازن آب نیز اورارتویی است. پیش از این، وجود تالار ستون دار در معماری شمال غرب ایران و اورارتو تأیید شده بود اما در تپه نوشیجان و گودین تپه، اتاق‌های کوچک تر مجاور سالن وجود ندارند.

این کاوش‌ها و چند بررسی محیطی دیگر، برخی از ویژگی‌های عمومی معماری و سفال گری در این منطقه را به ما نشان می دهند. تالارهای ستون دار گودین تپه، باباجان و نوشیجان پیوندی مهم میان معماری پیشامادی (حسنلو ۴) و نیا-هخامنشی برقرار می کنند؛ محراب و استحکامات نظامی پاسارگاد منحصر به فرد هستند ولی همچنین ممکن است معماری زاگرس در سومین مرحله عصر آهن نامیده شود، همان گونه که سنگ نگاره‌های سارگون دوم شاهی بر آن است.

درباره هنر تصویری، تاکنون هرچه کاوش باستان‌شناسی انجام شده، آثار به‌دست‌آمده از آن‌ها به‌طور شگفت‌انگیزی اندک، و کیفیت نسبتاً ناامیدکننده‌ای داشته‌اند. دو اثری که احتمالاً مهم‌ترین آثار در این زمینه‌اند را ارنست در اواخر دهه ۱۹۲۰ میلادی در همدان پیدا کرد.

نخستین آن‌ها فرمانی درباره، خدمات یک تاجر آشوری است به شاه ابدان، فرمانروایی کوچکی که در غرب پاسگاه‌های مرزی آشور واقع شده‌بود. این لوح برنزی شخص شاه را با لباسی شبیه به لباس بابلی‌ها در اواخر دوره کاسی‌ها و به‌مانند اینکه گوینده متن است نشان می‌دهد.

پیش از قدرت‌گیری هخامنشیان تحت فرمان کوروش بزرگ، بدیهی است که ماد کانون توسعه مادی و معنوی فرهنگ ایرانی بوده‌باشد. با این حال، تاکنون هیچ بایگانی‌ای از ماد پیدا نشده‌است و نمی‌دانیم که آیا مادها سیستم نوشتاری خاص خود را داشتند یا نه. تاکنون تنها یک کتیبه از دوران پیشاهخامنشی (لوحی برنزی) در قلمرو مادها کشف شده‌است. این لوح، کتیبه‌ای میخی است که احتمالاً در سده هشتم پ.م. به خط اکدی نوشته شده‌است اما در آن به نام‌های مادی اشاره نشده‌است. کتیبه‌ای میخی بر روی قطعه‌ای نقره‌ای در ماد، در تپه نوشیجان یافت شده‌است اما فقط پایان یک نشانه و آغاز علامت بعدی آن سالم مانده‌است. معلوم نیست که آیا مادها از سیستم نوشتاری اکدی استفاده می‌کردند یا نه. اما برخی از پژوهشگران تمایل دارند فرض کنند که خط میخی موسوم به پارسی باستان، در حقیقت خط میخی مادی بوده‌است که بعدها توسط پارس‌ها مورد استفاده قرار گرفت. یکی از پژوهشگرانی که معتقد است، دبیر میخی هخامنشی اصل و منشأ مادی دارد دیاکونوف است. او دلایل زیر را برای فرضیه خود ارائه می‌دهد.